

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ ۹۸/۰۵/۰۷

موضوع: جایگاه ولایت و امامت در تبیین معارف دینی

(سخنرانی در جمع طلاب و اساتید کاشمر)

فهرست مطالب این سخنرانی:

اهمیت و جایگاه ولایت و امامت در تبیین معارف دینی

خبری عجیب از «ابوسعید خدری» به نقل از منابع معتبر اهل سنت

جایگاه حقیقی امامت و ولایت در امور اجتماعی

روایت بی نظیر پیامبر اکرم در باب ولایت امیرالمؤمنین در منابع اهل سنت

شگفتی عجیب در پیشینه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

شگفتی عجیب در فرجام ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

تفسیر عجیب آلوسی سلفی از آیه ۶۷ سوره مائده

اعترافات دو نظریه پرداز آمریکایی برای نابودی فرهنگ تشیع!

مهدی‌های دروغین جامعه اسلامی و راه مقابله با آنها

برخی ادعاهای سخیف احمد بصری!

پرسشها و پاسخ ها

۱- آیا احمد بصری از علمای شیعه، دعوت به مناظره کرده است؟

۲- موضع اهل سنت در برابر احمد بصری چیست؟

۳- چرا عده ای از طلبه ها جذب احمد الحسن شدند؟

۴- آیا تنها ما شیعیان به بهشت می‌رویم؟

۵- رمز موفقیت استاد حسینی قزوینی چیست؟

تقدیم به پیشگاه مقدس و باعظمت حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلواتی عنایت فرمایید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و از همه شما عزیزان و گرامیان و مدافعان حریم ولایت سپاسگذارم و از مسئولینی که باعث شدند ما به زیارت شما در این شهر مشرف شویم هم تشکر می‌کنم.

من تلاش می‌کنم عرایضم را در چند بخش خدمت عزیزان تقدیم کنم و در پایان هم اگر گرامیان سؤالات و فرمایشی دارند، به حول قوه الهی در خدمتشان هستم.

اهمیت و جایگاه ولایت و امامت در تبیین معارف دینی

بخش اول عرایض اهمیت و جایگاه ولایت و امامت در معارف دینی است. ما اصول دین را به پنج قسمت تقسیم می‌کنیم که از توحید و نبوت شروع می‌کنیم و به عدل و معاد پایان می‌بریم.

در میان این پنج اصول دین جایگاهی که ائمه اطهار برای امامت معین کردند، بی‌پرده بگویم برای هیچکدام از اصول دیگر نیست. در این رابطه چند دلیل وجود دارد. دلیل اول این است که برای رسیدن به توحید، غیر از راه ولایت، راه دیگری نیست، همانطور که ائمه اطهار می‌فرمایند:

«بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۱۴۵، ح ۱۰

اگر ما بخواهیم خداشناسی درست و صحیحی داشته باشیم، غیر از کانال اهل بیت به بیراهه می‌رویم. در متن زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ»

زاد المعاد- مفتاح الجنان، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: اعلمی،

علاءالدین، ص ۲۹۹، الباب الحادی عشر فی بیان زیارة الرسول الأکرم (ص) و أئمة الهدی صلوات الله عليهم

سوی ما ذکر سابقاً

شما توحید کسانی که از اهل بیت جدا شدند را با توحید اهل بیت عصمت و طهارت مقایسه کنید. توحیدی که از غیر کانال اهل بیت باشد، توحید نیست؛ بلکه بافته‌های ذهنی بعضی از شیاطین است که به صورت توحید به مردم القاء می‌کنند.

توحیدی که امروز وهابیت معرفی می‌کند یا توحیدی که اهل سنت معرفی می‌کنند منهای توحید اهل بیت، توحید خدای الاغ سوار است.

شما کتب اهل سنت حتی «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» یا کتاب‌های مربوط به «ابن تیمیه» بزرگ نظریه پرداز وهابیت را ملاحظه کنید.

در کتب آنها وارد شده است که وقتی نیمه شب می‌شود، خداوند عالم سوار بر الاغ به آسمان دنیا می‌آید و صدا می‌زند: «هل من مستغفر فأغفر له» یا «هل ذو حجة فأقضي حاجته»!! وقتی که طلوع فجر می‌شود، خداوند سوار بر الاغ می‌شود و بالا می‌رود.

«مرحوم شیخ مفید» - اگر اشتباه نکنم - در کتاب «الإفصاح» خود می‌نویسد: "در بغداد بعضی از آقایان اهل سنت بر پشت بام خود علف و یونجه می‌ریختند تا وقتی خداوند عالم با الاغ خود می‌آید، در پشت بام آنها اجلال نزول کند." داستان‌های زیادی از این قضیه دارند که نقل می‌کنند.

یکی از علمای بزرگ سوریه که در آستانه انقلاب اسلامی شیعه شد، می‌گفت: "علت شیعه شدن من همین روایت بود. که دیدم نقل کرده اند خداوند عالم نیمه شب سوار بر الاغ می‌شود و به آسمان دنیا می‌آید و نزدیک طلوع فجر برمی‌گردد.

من با خود قدری فکر کردم و اندیشیدم زمانی که عقیده «بطلمیوسی» حاکم بود که دنیا به صورت پوست پیاز است و هر آسمان و دنیایی روی آن است، این روایت معنا داشت، اما الان کروییت زمین ثابت شده است. و با توجه به کروییت زمین اگر خداوند عالم یک بار به کره زمین بیاید، زندانی می‌شود و دیگر نمی‌تواند بالا برود.

زیرا خداوند عالم منتظر است تا طلوع فجر شود و بالا برود. طلوع فجر هم در کره زمین بیست و چهار ساعت در گردش است."

به عنوان مثال الآن کاشمر طلوع فجر است، اما چند لحظه دیگر در تربت حیدریه یا مشهد طلوع فجر است. طلوع فجر همینطور در گردش است و زمانی که خداوند عالم از دست طلوع فجر زمین راحت شود و به بالا برود، امکانش نیست.

لذا می‌گوید: فهمیدم این روایات همه ساختگی است و روایاتی نیست که از طرف خداوند عالم و نبی گرامی اسلام که با سرچشمه وحی مرتبط است، آمده باشد.

دوستان عزیز! نبوتی هم که از غیر کانال اهل بیت باشد، نبوت نیست و چیز دیگری است که به نام نبوت بر مردم القاء شده است. بنده دور نمی‌روم، شما همین کتاب «صحیح بخاری» را ملاحظه کنید.

حضرت ابراهیمی که غیر از طریق اهل بیت و از طرف «ابوهریره» و «کعب الأحبار» و «تمیم داری‌ها» معرفی می‌شود، حضرت ابراهیمی است که نستجیر بالله برای نجات خودش همسرش را برای تجاوز در اختیار ظالم قرار می‌دهد!!!

همچنین حضرت موسی که این افراد معرفی می‌کنند، با عزرائیل دعوا می‌کند و چشم عزرائیل را از حدقه درمی‌آورد!! عزرائیل چشم خود را در دست می‌گیرد و نزد خداوند می‌رود و عرضه می‌دارد: خدایا تو مرا نزد موسی

فرستادی و او چشم مرا از حدقه درآورد. خداوند عالم جلسه آشتی کنان میان حضرت موسی و عزرائیل تشکیل می‌دهد!!!

پیغمبری که غیر اهل بیت، آن را معرفی می‌کند، پیغمبری است که چندین بار تصمیم می‌گیرد خودکشی کند. نبی مکرم اسلام چندین بار بالای کوه می‌رود تا خود را از بالای کوه به پایین پرت کند.

جبرئیل نزد پیغمبر می‌رود و التماس می‌کند که اگر چند روزی وحی به تأخیر افتاده است، شما صبر کنید و ناراحت نشوید. ما نزد خداوند عالم می‌رویم و التماس می‌کنیم تا وحی دوباره بیاید!!!

این مطالب متن «صحیح بخاری» است که به قولشان أصحاب الکتب بعد از قرآن کریم است. اینکه ائمه اطهار می‌فرماید:

«بِنَا عِبْدَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»

و اینکه اهمیت جایگاه امامت در میان دیگر شرایع از همه بالاتر است، به دلیل این است که توحید و نبوت و قیامتی که رنگ ولایت نداشته باشد توحید و نبوت و قیامت نیست. مشاهده کنید اهل سنت در کتاب‌های خودشان در رابطه با آیه شریفه:

(هَلْ مِنْ مَزِيد)

آیا افزون بر این هم وجود دارد؟!

سوره ق (۵۰): آیه ۳۰

شاید پنجاه روایت نقل کردند مبنی بر اینکه فردای قیامت هرچه از خلاق وارد جهنم می‌کند، جهنم می‌گوید که بازهم جا هست تا افراد را وارد کنی. خداوند عالم پایش را روی آتش جهنم می‌گذارد و جهنم فریاد می‌زند: خدایا دیگر ظرفیتی ندارم، بس است! حال معلوم نیست خدایی که پایش را در آتش جهنم گذاشت، تا چه زمانی می‌خواهد پایش در آتش جهنم بماند.

کسانی که از اهل بیت عصمت و طهارت فاصله می‌گیرند، در ورطه‌ای قرار می‌گیرند که به فرموده پیامبر اکرم:

«النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»

مردم در خواب هستند، و هرگاه بمرند بیدار می‌شوند.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، ج ۵۰، ص

۱۳۴

بنابراین ما باید قدری روی این قضیه دقت ویژه‌ای داشته باشیم. بنده به عنوان نمونه یکی دو مورد از مباحثی که در این زمینه وجود دارد را بیان می‌کنم. دوستان ملاحظه بفرمایند در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۱۸ وارد شده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصُّومِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَتَّذِرْ شَيْءٌ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۱۸، ج ۳

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَ الْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ»

ولایت افضل از سایر موارد است، زیرا این ولایت است که سرچشمه ورود به دیگر معارف دینی است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۱۸، ح ۵

همچنین تعبیر ائمه اطهار چنین است:

«بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»

به فرموده حضرت، توحید خدا باید از کانال ما باشد، معرفت الهی باید توسط ما منتشر شود، عبادت خدا باید توسط ما به مردم معرفی شود.

خبری عجیب از «ابوسعید خدری» به نقل از منابع معتبر اهل سنت

عزیزان دقت داشته باشند یکی از معجزات اهل بیت این است که افزون بر اینکه ما ادله حقانیت اهل بیت را در کتب

خودمان با سندهای صحیح، معتبر، مستفیض و متواتر داریم؛ در کتب اهل سنت هم بیان شده است!

یعنی اگر روزی تمام کتب شیعه را جمع کنند و آتش بزنند یا به دریا بریزند، ما از کتب دیگران، حقانیت مذهب

اهل بیت را اثبات می‌کنیم. این قضیه نشانگر حقانیت مضاعف اهل بیت (علیهم السلام) است.

مشاهده کنید کتاب «خطط الشام» اثر «محمد کردعلی» یکی از علمای بزرگ سوریه و یکی از شخصیت‌های برجسته اهل سنت است. کتاب «خطط الشام» یکی از کتب معتبری است که تمام فرق اسلامی آن را قبول دارند. در این کتاب از «ابو سعید خدری» نقل شده است:

«أمر الناس بخمس فعلموا بأربع وترکوا واحدة»

مردم به پنج دسته مأمورند که چهار مورد را گرفتند و یکی را رها کردند.

«ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان والحج»

سؤال کردم که آن چهار مورد چیست؟ گفت: نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج.

سپس می‌نویسد:

«قيل: فما الواحد التي تركوها؟»

پرسیدم: موردی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية علي بن أبي طالب»

گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

سپس می‌نویسد:

«قيل له: وإنما لمفروضة معهن»

پرسیدند: آیا ولایت علی بن ابی طالب هم جزو واجبات است؟

«قال: هي مفروضة معهن»

او گفت: بله، جزء واجبات است.

خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمّد، كزّد غلى (المتوفى: ١٣٧٢ هـ)، الناشر: مكتبة النورى،

دمشق، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م، ج ٦، ص ٢٤٥، باب الشيعة

نکته‌ای زیبا در کتاب «مناقب علی بن أبى طالب» اثر «ابن مردويه اصفهانی» متوفای ٤١٠ هجری آمده است. در این

کتاب هم وارد شده است که از «ابو سعید خدری» می‌پرسند:

«فما الواحدة التي تركوها؟»

واجبی که مردم آن را ترک کردند کدام است؟

«قال: ولاية علی بن أبى طالب»

او گفت: ولایت علی بن أبى طالب.

«وإنها مفترضة معهن؟»

آیا ولایت علی بن أبى طالب در ردیف سایر فرائض واجب است؟

«قال: نعم»

گفت: بله.

«قال: فقد كفر الناس!!»

پرسید: با رها کردن ولایت مردم کافر شدند!!

«قال: فما ذنبي!»

ابو سعید خدری گفت: گناه من چیست!

مناقب علی بن ابی طالب؛ أحمد بن موسی ابن مردویه الأصفهانی، تحقیق: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، چاپ: الثانية، سال چاپ: ۱۴۲۴ - ۱۳۸۲ ش، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، ص ۷۲، ح

۴۸

این عبارتی است که تا حدودی از منابع شیعه تندتر است.

جایگاه حقیقی امامت و ولایت در امور اجتماعی

نکته دیگری که در اینجا مطرح است که ما باید به آن دقت کنیم، جایگاه ولایت در امور اجتماعی است. ولایت اهل بیت مایه امنیت جامعه و عامل وحدت جامعه و مانع تشتت و اختلاف امت اسلامی است.

شما به کتاب «المستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» که مستدرک «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» است، مراجعه کنید. ایشان در جلد ۳ صفحه ۱۶۲ از قول «ابن عباس» از نبی گرامی اسلام نقل می‌کند:

«وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِخْتِلَافِ»

اهل بیت من مایه امنیت جامعه از اختلاف و درگیری هستند.

«فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ اخْتَلَفُوا فَصَارُوا جِزْبَ إِبْلِيسَ»

به فرموده رسول گرامی اسلام نتیجه مخالفت با اهل بیت، پیوستن به حزب ابلیس است. اگر این روایت در کتب شیعیان بود، اهل سنت ادعا می‌کردند که شما بسیار تند برخورد می‌کنید و این روایت با وحدت و تقریب سازگاری ندارد.

«حاکم نیشابوری» در انتهای روایت می‌نویسد:

«هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ إِسْنَادًا، وَلَمْ يَخْرُجْ لَهُ»

این حدیث صحیح السند است، اما مسلم و بخاری آن را در کتاب خود نیاوردند.

المستدرک علی الصحیحین، المؤلف: أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله النیسابوری (المتوفی: ۴۰۵ هـ)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰، ج ۳، ص

۱۶۲، ح ۴۷۱۵

امیرالمؤمنین در کتاب «نهج البلاغه» هم خطبه‌ای دارد که بسیار زیباست. حضرت در خطبه ۱۵۴ می‌فرماید:

«نَحْنُ الشُّعَارُ وَالْأَصْحَابُ وَالْحَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ»

مایه اصلی گرفتن معارف اسلامی ما هستیم، خزانه علوم الهی در اختیار ماست و درهای ورود به شریعت، ما هستیم.

«وَلَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا»

اگر کسی بخواهد وارد شرایع شود، باید از آن وارد شود که ما هستیم.

«فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أُبْوَابِهَا سَارِقًا»

اگر کسی غیر از طریق ما وارد شریعت شود، سارق است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۲۱۵، خ ۱۵۴

به فرموده حضرت اگر کسی غیر از طریق اهل بیت وارد شریعت شود، شریعت جو نیست؛ بلکه دزد و سارق است؛ و به نیت تخریب و به هم ریختن توحید و نبوت و امامت و معاد و نماز و روزه مردم آمده است. این روایت در کتب شیعه هم به وفور مطرح است.

روایت بی نظیر پیامبر اکرم در باب ولایت امیرالمؤمنین در منابع اهل سنت

بنده عبارتی هم از کتاب «أمالی» اثر «شیخ طوسی» خدمت عزیزان عرض کنم تا از من به عنوان یادگاری داشته باشند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

«وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ
بِوَلَايَتِي وَوَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي»

قسم به کسی که جان من در قبضه قدرت اوست اگر کسی فردای قیامت در پرونده‌اش اعمال هفتاد پیغمبر داشته باشد، اما بدون ولایت اهل بیت من وارد قیامت شود، عملی از او پذیرفته نیست.

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۱۴۰، ح ۴۲

به قول معروف در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! اجازه بدهید ببینیم اهل سنت چه مطالبی در این زمینه دارند.

«خوارزمی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است، به طوری که «ذهبی» چنان تعبیری در مدح و ثنای او دارد که انسان تصور می‌کند او از یکی از پیامبران اولوالعزم تجلیل می‌کند. در کتاب «مناقب خوارزمی» آمده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«یا علی لو ان عبداً عبداً لله عزوجل مثل ما قام نوح فی قومه»

یا علی! اگر کسی به اندازه عمر حضرت نوح در میان قومش عبادت کند.

«وكان له مثل أحد ذهباً فانفقه فی سبیل الله»

و به اندازه کوه احد در راه خدا طلا انفاق کند.

«ومد فی عمره حتی حج الف عام علی قدمیه ثم قتل بین الصفا والمروة مظلوما»

و هزار بار با پای پیاده به زیارت خانه خدا برود، سپس مظلومانه بین صفا و مروه کشته شود.

«ثم لم یوالک یا علی لم یشم رائحة الجنة و لم یدخلها»

اما ولایت تو را نداشته باشد، نه وارد بهشت می‌شود و نه بوی بهشت به مشامش می‌رسد.

المناقب، تألیف: الموفق بن احمد بن محمد المکی الحنفی الخوارزمی، المتوفی: سنة 568 هـ، مؤسسة: النشر

الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ج 1، ص 55، ح 40

ما باید خداوند عالم را شکر کنیم که نعمتی به ما داده است، بدون آنکه عملی در برابر آن انجام داده باشیم.

من بارها گفتم اگر خداوند عالم به ما به اندازه اول تا آخر خلقت عمر بدهد و تمام عمرمان را در یک سجده شکر به خاطر ولایتی که خداوند عالم نصیب ما کرده است بگذرانیم، والله حق شکر ولایت را نمی‌توانیم به جای بیاوریم.

ما همانند ماهی هستیم که در دریا قدر آب را نمی‌داند. شما وقتی که وارد این دنیای معارفی می‌شوید، چه از کانال اهل بیت و چه از کانال اهل سنت و دیگر فرق اسلامی نگاه می‌کنید، می‌بینید قضیه بسیار عمیق‌تر از آن است که ما بخواهیم تصور کنیم.

شگفتی عجیب در پیشینه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

نکته دیگر که خیلی سریع آن را عرض می‌کنم و عبور می‌کنم، این است که ما تصور می‌کنیم بحث ولایت امیرالمؤمنین توسط نبی گرامی اسلام در «غدیر» یا قبل از آن در قضیه «تبوک» یا در قضیه «حدیث منزلت» و «حدیث دار» مطرح شده است.

حال آنکه اگر ما به سراغ منابع روایی شیعه و سنی برویم، بررسی پیشینه و فرجام ولایت، ما را با یک سری روایاتی مواجه می‌کند که واقعاً جای شگفتی و تعجب است.

من ابتدا یک روایت از منابع اهل سنت نقل می‌کنم که البته شاید پنجاه یا شصت روایت در این زمینه داشته باشند. سپس یک روایت هم از کتب شیعه نقل می‌کنم.

در کتاب «تاریخ دمشق» اثر «ابن عساکر» متوفای ۵۷۱ هجری جلد ۴۲ ذیل آیه ۴۵ از سوره مبارکه «زخرف» روایتی نقل شده است. عزیزان بارها این آیه را خواندند، اما نمی‌دانم در مفهوم آن تدبیری کرده‌اند یا خیر؟! خداوند متعال خطاب به پیغمبر اکرم می‌فرماید:

(وَ سَأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا)

از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس.

سوره زخرف (۴۳): آیه ۴۵

نبی گرامی اسلام هیچکدام از انبیاء گذشته را درک نکرده است، زیرا فاصله زمانی پیغمبر اکرم با آخرین نبی گذشته یعنی حضرت عیسی بیش از دویست و پنجاه سال - و حتی برخی ها تا چهارصد سال هم گفته اند - است.

این آیه چه معنایی دارد که خداوند متعال به پیغمبر دستور می‌دهد از رسولان گذشته بپرس!!؟

روایتی که آوردند، می‌گویند که این آیه مربوط به قضیه معراج است. نبی گرامی اسلام در معراج با همه انبیاء الهی دیدار داشت. وقتی به صف انبیاء رسید، از آنها سؤال کرد:

«علی ما بعثوا»

هدف بعثت شما چه بوده است؟

«قال علی ولایتک و ولایة علی بن ابی طالب»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن

إبن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر

بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۲۴۱، ح ۹۵۱۹

شیعه! سر خود را بلند کن و به شیعه بودن خود بیال. ای شیعه! به خود بیال که عقیده واضح و روشن حقانیت تو از

زبان کسانی است که در حوزه ولایت بهره‌ای ندارند، اما سخن را گفته‌اند و حجت را تمام کرده‌اند.

اجازه بدهید قضیه‌ای را هم عرض کنم که شاید اهل سنت پنجاه روایت در این زمینه دارند. حتی «ابن تیمیه» هم در کتاب «فتاوی» خود این روایت را نقل کرده است.

زمان صدور این واقعه، هزاران سال قبل از ولادت رسول اکرم و علی بن ابی طالب و حضرت فاطمه زهرا و حسنین است.

این عبارتی است که «سیوطی» متوفای ۹۱۱ هجری در کتاب «الدر المنثور» ذیل آیه ۳۷ از سوره بقره:

(فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ)

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد) و خداوند توبه او را پذیرفت.

سوره بقره (۲): آیه ۳۷

نقل می کند و می نویسد:

«سَأَلَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ»

الدر المنثور، المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، الناشر: دار الفكر –

بيروت، ج ۱، ص ۱۴۷، باب ۳۷

در کتب شیعه هم «مرحوم کلینی»، «مرحوم صفار»، «مرحوم خزاز» در «کفایة الأثر» در این زمینه شاید بیش از پنجاه روایت با مضامین مختلف نقل کرده اند. من تنها یک مورد از این روایات را عرض می‌کنم و می‌گذرم.

امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«وَلَايَتُنَا وَوَلَايَةُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا»

ولایت ما ولایت الله است و خداوند عالم هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد، جز به ولایت ما.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۴۳۷، ح ۳

این قضیه نشانگر این است که بحث ولایت امیرالمؤمنین، بحثی است که پیشینه‌ای دیرینه دارد.

شگفتی عجیب در فرجام ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

همچنین مشاهده کنید فردای قیامت ما مورد بازخواست قرار می‌گیریم؛ فرمود:

(وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ)

آن‌ها را متوقف سازید که باید بازپرسی شوند.

سوره صافات (۳۷): آیه ۲۴

عمده علمای اهل سنت حتی «آلوسی سلفی» می‌گویند:

«أَنَّ السُّؤَالَ عَنِ الْعُقَائِدِ وَالْأَعْمَالِ وَرَأْسِ ذَلِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَمَنْ أَجَلَهُ وَوَلَايَةَ عَلِيِّ كَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ»

سؤال از عقاید و اعمال است و رأس عقاید و اعمال لا إله إلا الله است و از اجل آن ولایت علی بن ابی طالب

است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید

محمود الأوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲۳، ص ۸۰، باب الصفات: (۲۴)

وقفوهم إنهم مسؤولون

به نظر بنده در این بخش به همین اندازه اکتفا کنیم. بحث دیگری که امروزه مطرح است، در رابطه با دفاع از حریم ولایت است. عمده مسئولیت ما مربوط به همین حوزه است.

ما که در اردوگاه آموزشی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار داریم و یونیفرم سربازی و خدمتگذاری حضرت بقیة الله الأعظم را به تن داریم، رسالت اول ما پاسداری از ولایت است؛ ولایتی که راه عبور توحید و نبوت و معاد و سایر اصول دین است. بدون ولایت هیچکدام از اصول دین معنا پیدا نمی‌کند.

تفسیر عجیب آلوسی سلفی از آیه ۶۷ سوره مائده

«آلوسی» که شخصی سلفی العقیده است، به طوری که «زرکلی» در کتاب «الأعلام» وقتی به او می‌رسد می‌نویسد:

«کان سلفی الاعتقاد»

الأعلام؛ خیر الدین الزرکلی، وفات: ۱۴۱۰، چاپ: الخامسة، سال چاپ: أیار - مايو ۱۹۸۰، ناشر: دار العلم

للملایین - بیروت - لبنان، ج ۷، ص ۱۷۶، باب آلوسی الکبیر

کتاب تفسیری او به نام «روح المعانی» را همه مذاهب اهل سنت و وهابیت قبول دارند. او در جلد ۶ صفحه ۱۹۳ روایتی را از «عبدالله بن مسعود» مفسر بزرگ عصر صحابه شاگرد قوی و توانمند امیرالمؤمنین در حوزه تفسیر نقل می‌کند.

من از عزیزان تقاضا دارم به این مطلب خوب دقت کند. در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۹۳ ذیل آیه ۶۷ سوره مائده:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم نگاه می‌دارد.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

نقل می‌کند که وارد شده است «عبدالله بن مسعود» می‌گوید:

«کنا نقرأ علی عهد رسول الله...»

کلمه «کان» دلیل بر استمرار است و صیغه مع الغیر نشانه استیعاب است. یعنی همه ما صحابه اینگونه بودیم؛

«کنا نقرأ علی عهد رسول الله یا أيها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک إن علیا ولی المؤمنین وإن لم تفعل
فما بلغت رسالته»

ما همه صحابه در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الأکوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۶، ص ۱۹۳، باب المائدة: (۶۷) یا
أيها الرسول...

عبارت، عبارت بسیار سنگینی است. البته آقای «شوکانی» که یکی از علمای وهابیت است و عربستان سعودی غالب کتاب‌های او را چاپ کرده است، کتابی به نام «فتح القدير» دارد که در جلد ۲ صفحه ۶۰ همین روایت را نقل می‌کند.

آقای «سیوطی» متوفای ۹۱۱ هجری در کتاب «الدر المنثور» جلد ۲ صفحه ۲۹۸ همین روایت را از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند. همچنین بزرگان رتبه سوم و چهارم اهل سنت همگی این روایت را نقل کردند.

جایگاه ولایت این است. امروز ما می‌خواهیم از این جایگاه دفاع کنیم. امروز همه‌ای که به جایگاه ولایت متوجه است، شاید متوجه هیچکدام از معارف دینی نیست.

این افراد به این نتیجه رسیدند که فرهنگ اهلیت و ولایت است که مردم را در برابر استکبار جهانی می‌شوراند. فرهنگ اهلیت است که مردم را تو سری خور بار نمی‌آورد.

به دلیل اینکه فرصت نیست، بنده در این خصوص مفصل صحبت نمی‌کنم. در کتاب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» در رابطه با اطاعت از حاکم سی‌چهل روایت آوردند که به دروغ آن را به پیغمبر اکرم نسبت دادند. والله، تالله و بالله این روایات دروغ است.

در این روایات وارد شده است که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر قلب حاکم قلب شیطانی و جسم او جسم انسانی بود، از او تبعیت کنید.

همچنین از قول خلیفه دوم روایتی نقل کردند که بنده قطع دارم حتی خلیفه دوم هم چنین جمله‌ای نگفته و بنی امیه این جمله را به او نسبت دادند. در روایت وارد شده است که خلیفه دوم به «سويد بن غفله» می‌گوید:

«إن ضربك فاصبر وإن حرمك فاصبر»

اگر حاکم اسلامی در حق تو ظلم کرد و تو را از حق مسلم تو محروم کرد، صبر کن.

«وإن أراد أمرا ينتقص دينك فقل سمع وطاعة دمی دون دینی فلا تفارق الجماعة»

اگر حاکم اسلامی به تو دستور ضد دینی داد، بگو: چشم، دینم فدای جانم باد.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ٦، ص ٥٤٤، ح

٣٣٧١١

طبق این روایت اگر حاکم اسلامی به تو دستور داد دزدی کن، آدم بکش یا مرتکب زنا شو باید اطاعت کنی!! ای شیعه سر بلند کن و افتخار کن رهبری داری که فریادش در فضا در طول چهارده قرن طنین افکن است که فریاد برآورد:

«و كونا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

همواره در برابر ظالم خروش کنید و در کنار مظلوم یار و مددکار او باشید.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ٤٢١، خ ٤٧ و

من وصیة له ع للحسن و الحسين ع لما ضربه ابن ملجم لعنه الله

سرور آزادگان در روز عاشورا فرمود:

«إن الحياة عقيدة و جهاد»

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، نویسنده: هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، مترجم: حسن زاده آملی،

حسن و کمرهای، محمد باقر، ج ۲۱، ص ۲۲۱، باب المعنی

بالاترین شعار حضرت سیدالشهدا این بود که حتی علمای بزرگ اهل سنت از تحلیل سخنان امام حسین (علیه السلام) عاجز ماندند که فرمود: زندگی زیر بار حکومت‌های جور جز ننگ و عار نیست و شهادت در راه اعتلای کلمه توحید جز افتخار چیزی نیست.

اعترافات دو نظریه پرداز آمریکایی برای نابودی فرهنگ تشیع!

این افتخار شیعه است. این قضیه امروز برای دنیای غرب و استکبار خطرناک است. آقای «هانتینگتون» بزرگ نظریه پرداز کاخ سفید کتابی دارد که من جلسه قبل قدری از آن را عرض کردم.

ایشان در اینجا وقتی طرحی را برای آمریکا برای تسلط بر خاورمیانه مطرح می‌کند، می‌گوید: برخورد نظامی نتیجه ندارد. آمریکا باید در خاورمیانه کار فرهنگی انجام دهد و با تمدن‌های موجود در منطقه بجنگد.

او ابتدا تمدن‌ها را یکی پس از دیگری مطرح می‌کند و می‌نویسد: "تمدن یهودی، تمدن بودایی یا دیگر تمدن‌ها عددی نیستند که آمریکا برای آن فکری کند. تمدنی که آمریکا باید به فکر او باشد که با وجود آن تمدن جایی در خاورمیانه برای آمریکا نیست، تمدن اسلامی است."

او سپس تمدن اسلامی را تقسیم بندی می‌کند و تمدن اسلامی به رهبری پاکستان، تمدن اسلامی به رهبری اردن یا تمدن اسلامی به رهبری کشورهای دیگر را نام می‌برد و اشاره می‌کند که این تمدن‌ها هم خیلی خطر جدی نیستند و آمریکا می‌تواند این تمدن‌ها را با تهدید یا تطمیع زیر پرچم خود بیاورد.

وی می نویسد: "تنها فرهنگ اسلامی که خطر جدی برای آمریکا است و آمریکا باید فکر اساسی برای آن کند و با وجود آن تمدن، جایی برای آمریکا نیست، تمدن اسلامی به رهبری ایران با فرهنگ تشیع است. آمریکا باید این فرهنگ را در منطقه از بین ببرد."

او در ادامه بحث عاشورا، مهدویت، نفوذ روحانیت، مرجعیت و رهبری را تحلیل می‌کند و می‌نویسد: "این مسائل از فروع فرهنگ است که ما باید برای نابودی و حذف این فرهنگ در جامعه کار کنیم."

این افراد آن طرف، پشت درهای بسته نشسته‌اند و تنها بعضی از مسائل را می‌بینیم. حال پشت پرده چه مسائل دیگری دارند که بروز نمی‌کند را خبر نداریم.

من دوست دارم عزیزان ما، این دو کتابی که نوشته شده را مطالعه کنند و با خواب‌هایی که آمریکا برای منطقه دیده است، آشنا شوند. اولین کتاب به نام «پایان تاریخ» اثر «فوکویاما» و دومین کتاب «برخورد تمدن‌ها» اثر «هانتینگتون» است.

این کتاب در اینترنت به زبان عربی و انگلیسی موجود است و وزارت امور خارجه آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است. ببینید این افراد چه تحلیل‌هایی برای ما دارند.

اینکه می‌بینید یک مرتبه در منطقه شما فرقه‌های نوظهوری می‌آیند که یکی از آنها به نام «احمد الحسن» است، تصور نکنید که همانند قارچ از زمین روییده شدند یا شب خوابیدند و صبح بلند شدند و ادعاهایی را مطرح کردند؛ بلکه ساعت‌ها و سال‌ها روی آنها کار شده است.

در سخنرانی که آقای «فوکویاما» چهارده سال قبل در تلاویو داشت، گفت: شیعه دو پرچم در دست دارد؛ مادامی که این دو پرچم را از آنها نگیریم، نمی‌توانیم موفق شویم. یکی از آنها پرچم سرخ شهادت است؛ جوانان شیعه در ایام

محرم و صفر با تبلیغاتی که روحانیون و مداحان دارند، روحیه شهادت طلبی و در نتیجه استکبار ستیزی پیدا می‌کنند.

دیگری پرچم سبز مهدویت و انتظار است؛ شیعه منتظر است که روزی یکی از فرزندان نبی مکرم اسلام می‌آید و حکومت‌های باطل و در رأس آن حکومت آمریکا را سرنگون می‌کند و این روحیه در جوان شیعه خطرناک است. ما باید این روحیه را از آنها بگیریم.

شیعه امیدوار است و انسان امیدوار شکست ناپذیر است. ما باید امید را از شیعه بگیریم. یکی از راهکارهای تضعیف فرهنگ مهدویت، ساختن مهدی‌های دروغین در میان جامعه شیعه است!

مهدی‌های دروغین جامعه اسلامی و راه مقابله با آنها

دشمنان در آمریکا طرح می‌ریزند و از طرف دیگر دجال بصره ادعا می‌کند که من فرزند امام زمان هستم!! او ادعا می‌کند امام زمان پدر من است و به من دستور داده تا بیایم حوزه‌های علمیه را ویران کنم، روحانیون را قتل عام کنم و مراجع عظام تقلید را از بین ببرم تا زمینه ظهور حضرت مهدی را فراهم کنم!!

امام زمانی که می‌خواهد حوزه علمیه را ویران کند یا مراجع تقلید را از بین ببرد، مهدی اهل بیت نیست. او مهدی است که آمریکا آن را پشت درهای بسته درست کرده است.

این مهدی منجی بشریت نیست. این مهدی نیست که بتواند جامعه جهانی را به طرف صلح و آرامش بکشانند. متأسفانه این پدیده در منطقه شما قدری پررنگ‌تر از مناطق دیگر است.

بنابراین من دست همه عزیزان و سروران را می‌بوسم و از همگان تقاضا می‌کنم به جای آنکه درگیری‌های لفظی با این افراد داشته باشیم یا بحث‌های علمی با این افراد کنیم، باید پاسخ‌های نقضی بدهیم.

به نظر من بحث علمی با این افراد بی فایده است. ما باید با این افراد با پاسخ‌های نقضی و عبارتهایی که از داخل کتاب‌های خودشان دال بر فساد علیه این افراد و انحراف آنهاست را برای مردم بیان کنیم؛ این بهترین راه است.

بنده خودم افتخار داشتم با بسیاری از گروه‌های انحرافی مناظره داشتم. بنده اوائل انقلاب چندین جلسه با کمونیست‌ها مناظره داشتم. همچنین با قطب‌های صوفی‌ها جلسات متعددی داشتم.

بنده همچنین در خاک عربستان بیش از دویست جلسه با اساتید و مفتیان حتی مفتی اعظم فعلی عربستان، «آل شیخ» مناظره داشتم. بنده سال ۱۳۸۳ با جناب آقای «نواب» به طائف رفتیم و یک ساعت با ایشان بحث داشتم.

بنده قسم یاد می‌کنم در میان این فرق انحرافی، فاسدتر و بی‌محتواتر از فرقه «احمد بصری» ندیدم. بنده معتقدم اگر کسی پنج ساعت آثار این شخص را مطالعه کند، نه تنها بطلان او، بلکه کفر و ارتداد «احمد بصری» برایش ثابت می‌شود.

من بارها اعلام کردم ایشان در سال ۲۰۰۸ میلادی نامه‌ای برای علما نوشت که اسم بنده به عنوان نفر دوم بود. متن نامه چنین است:

«رسالة إلى السيد القائد و عدد من العلماء ... أما بعد إلى السيد علي الخامنه‌ای السلام عليكم و رحمة الله و

برکاته إلى السيد القزوينی فی ایران السلام عليكم و رحمة الله»

او در ادامه نام آیت الله مقتدی صدر، آیت الله کورانی و دیگران را آورده بود. من بارها اعلام کردم که حاضریم با «احمد بصری» هم مناظره و هم مباحثه کنیم. مناظره نه در خصوص اینکه او حق و فرزند امام زمان است، بلکه در کفر و ارتداد «احمد الحسن» با او مناظره می‌کنم.

اگر مناظره فایده‌ای نداشت، حاضریم مباحثه کنیم. همچنانکه امام صادق (علیه السلام) به اصحاب فرمود:

«و باهلوهم فی علی بن ابی طالب ع»

در مورد امامت علی بن ابی طالب بحث و مناظره و مباحله کنید.

تصحیح اعتقادات الإمامیة، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ۷۱،

فصل فی النهی عن الجدل

مباحله شوخی بردار نیست؛ بلکه مباحله به معنای جانبازی است. اگر مباحله با شرایط خاص خود صورت بگیرد، طرف باطل فی المجلس نابود می شود و این یکی از معجزات شریعت اسلام است.

چرا «احمد الحسن» حاضر به مباحله نمی شود و طرفداران او تنها ذهن یک طلبه بی سواد یا یک بزاز یا خیاط یا کارگری که معارف اهل بیت را نمی داند و در فرهنگ مهدویت سررشته ای ندارد را به کار می گیرند و به او می گویند که تو فلان وقت خواب می بینی.

این فرد هم اینقدر عقل و شعور ندارد که وقتی به او می گویند: "فلان شب خواب می بینی" او هم گمان می کند که حقیقت است. این امر بسیار طبیعی است و یک مرتاض هندی خیلی بهتر از او عمل هیپنوتیزم را انجام می دهد.

هیپنوتیزم را دنیای علم قبول کرده است. کسی که به هیپنوتیزم مسلط است اصلاً می تواند اراده کند و اراده او از زبان شما بیرون بیاید. خواب که هیچ، امروز توسط هیپنوتیزم، شخص دیگر می تواند روح شما را کاملاً به دست بگیرد.

به عنوان مثال شما مشغول سخنرانی هستید. شخص دیگر با هیپنوتیزم می تواند روح شما را به دست بگیرد به طوری که هرچه او اراده می کند را شما سخنرانی کنید. این چیزی که دنیای علم آن را ثابت کرده و غیر از مسائل دینی و شریعتی است.

پیروان «احمد الحسن» به افراد می گویند: "شما فلان شب خواب می بینید. امام زمان به خواب شما می آید و می گوید که «احمد الحسن» فرزند من است."

ما بارها گفتیم امام زمان که به خواب فلان پیرزن بصره یا پیرمرد بغداد یا فلان کارگر تربت حیدریه می آید، اگر واقعاً امام زمان است و «احمد الحسن» فرزند اوست، به خواب آیت الله العظمی سیستانی، مقام معظم رهبری یا دیگر مراجع ما بیاید.

رهبریت و مراجع عظام تقلید در جامعه تأثیرگذار هستند. مشاهده کنید در حلقه وکالتی که ائمه اطهار بعد از امام صادق (علیه السلام) تأسیس کردند، امام هادی می خواهند برای همدان وکیل معین کنند.

حضرت به سران قبایل همدان نامه می نویسند و می فرمایند که این شخص وکیل من است، کلام او کلام من است و مخالفت او مخالفت من است.

به راحتی می توان این کار را انجام داد و دیگر نیازی به تظاهرات و درگیری با مأمورین نیروی انتظامی، یا این همه فحاشی ندارد. امام زمان می تواند خیلی راحت به خواب چند تن از مراجع عظام تقلید بیاید و بفرماید که فلان شخص پسر من است!

مراجع عظام تقلید ما اینقدر تقوا و عدالت دارند که اگر واقعاً تشخیص بدهند شخصی که در خواب می بینند امام زمان است، برای او احترام قائل هستند.

ما این قضیه را در یکی از جلسات قم گفتیم. پیروان «احمد الحسن» سریعاً گفتند: شاید امام زمان به خواب مراجع آمده است، اما آنها کتمان کردند!

ما در جواب گفتیم: امام زمان به خواب همان پیرزن یا پیرمرد در فلان منطقه بیاید و بگوید که امام زمان به خواب آیت الله العظمی وحید خراسانی یا دیگر مراجع رفت، اما آنها کتمان کردند!! هر چیزی راهی دارد.

دوستان عزیز! این مسائل خیلی عجیب است. بنده تنها به چند نکته‌ای اشاره کنم که اصلاً در رابطه با این افراد باید چکار کنیم. بنده معتقدم که ما باید از برهان مقایسه استفاده کنیم که قرآن کریم در بسیاری از موارد از این برهان استفاده کرده است.

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟

سوره زمر (۳۹): آیه ۹

:۹

(هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ)

ظلمت‌ها و نور برابرند؟

سوره رعد (۱۳): آیه ۱۶

قرآن کریم گروه باطل را با حق در یک صف مقایسه کرده است. این روش برای خواص هم خوب است، اما برای عوام بهترین راه است.

برخی ادعاهای سخیف احمد بصری!

بنده در اینجا تنها چند نکته‌ای که حالت مقایسه‌ای دارد را خدمت عزیزان عرض می‌کنم، سپس اگر دوستان سؤالاتی دارند در خدمتشان هستم.

به عنوان مثال در موضوع "احمد بصری" و اهانت به حضرت ابراهیم" این قضیه وجود دارد. ما همانطور که در مناظره با وهابیت هر حرفی می‌زدیم کتاب‌هایشان را روی آنتن می‌آوردیم و نشان می‌دادیم، اینجا هم همان روش را به کار می‌بریم.

یکی از کتاب‌های او «المتشابهات» نام دارد. «احمد بصری» تحدی می‌کند و ادعا می‌کند که اگر علما و مراجع بتوانند از این کتاب جواب بدهند، ادعای من باطل است. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ)

اگر در باره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید (لا اقل) یک سوره همانند آن بیاورید.

سوره بقره (۲): آیه ۲۳

او نیز چنین ادعایی دارد. کتاب «المتشابهات» نوشته «سید احمد الحسن» است. البته او سید نیست و دروغ می‌گوید. در حال حاضر برادران او در ارتش عراق هستند و عموهای او نیز در آن منطقه وجود دارند. هیچکدام از آنها نَسَبشان به اهل بیت نمی‌رسد.

ایشان در این کتاب در صفحه ۳۰ می‌نویسد: "وقتی حضرت ابراهیم در آسمان‌ها نور حضرت امیرالمؤمنین و دیگر ائمه اطهار را دید، نتوانست تشخیص بدهد خدای او این نور است یا الله است."

مراد از ادعای او این است که حضرت ابراهیم هنوز از شرک بیرون نرفته است. حضرت ابراهیم که صفت خلیل الرحمانی دارد و در میان انبیاء الهی مفتخر به:

(إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)

من تو را امام و رهبر مردم قرار دادم.

سوره بقره (۲): آیه ۱۲۴

است، نمی‌تواند تشخیص دهد که خدایش این نور است یا رب العالمین است!! قرآن کریم به خود پیغمبر اکرم دستور می‌دهد:

(فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

بنا بر این از آئین ابراهیم پیروی کنید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۹۵

حضرت ابراهیم که هنوز از شرک خلاصی پیدا نکرده است و نمی‌تواند بین نور و خدا تشخیص بدهد، آیا می‌تواند

(فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا) باشد؟!؟

در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم تعبیر عجیبی وارد شده است. او نسبت به حضرت یونس می‌نویسد: "حقیقت را آشکار می‌کنم که جسد او در بیابان عریان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند."

من نمی‌دانم اگر ادعاهای او شرک و کفر و ارتداد نیست، پس در اسلام چیزی به نام ارتداد وجود ندارد. او نسبت به پیغمبر بزرگی همانند حضرت یونس ادعا می‌کند که خداوند عالم او را به جهنم برد و تا قیامت در جهنم باقی است. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الظَّالِمِينَ)

و ذا النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

(فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

ما دعای او را به اجابت رساندیم، و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین‌گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیات ۸۷ و ۸۸

حضرت یونس که به جهنم رفته و گرفتار شده است، می‌شود الگو برای من باشد و خداوند عالم بفرماید: **(وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)!!** همچنین در سوره مبارکه صافات وارد شده است:

(وَ إِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)

و یونس از رسولان ما بود.

(إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ)

به خاطر بیاور زمانی را که به سوی کشتی مملو (از جمعیت و بار) فرار کرد.

(فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ)

و با آن‌ها قرعه افکند (و قرعه بنام او اصابت کرد و) مغلوب شد.

(فَالْتَقَمَهُ الْحَوْثُ وَ هُوَ مُلِيمٌ)

(او را به دریا افکندند) و ماهی عظیمی او را بلعید، در حالی که مستحق ملامت بود!

(فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ)

و اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود ...

(لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)

تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.

(فَتَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ)

(به هر حال ما او را رهایی بخشیدیم و) او را در یک سرزمین خشک خالی از گیاه افکندیم در حالی که

بیمار بود.

(وَ أَنْبَأْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ)

و کدوبنی بر او رویاندیم (تا در سایه برگ‌های پهن و مرطوبش آرامش یابد).

(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری، یا بیشتر، فرستادیم.

حضرت یونس بعد از نجات از شکم نهنگ به طرف قومش رفت و بیش از صد هزار نفر را هدایت کرد.

(فَأْمُرُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ)

آن‌ها ایمان آوردند و تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم.

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸

شما کتاب الارتداد را مشاهده کنید! شما از یک فقیه سنی یا وهابی سؤال کنید اگر کسی بگوید حضرت یونس جهنمی است، حکمش چیست؟ آیا می‌گویید این شخص مسلمان است یا مرتد است؟ آیا می‌گویید این شخص واجب‌القتل است یا خیر؟

مسلماناً می‌گویید ارتداد او طوری است که توبه پذیر نیست!! ما باید این مطالب را در اختیار این افراد قرار دهیم. به جای اینکه با آنها بحث علمی کنیم و در خصوص حدیث وصیت یا دیگر احادیث صحبت کنیم، باید جواب نقضی بدهیم.

اگر شما ده روایت هم بیاورید او توجیه می‌کند. امیرالمؤمنین زمانی که «ابن عباس» را برای مبارزه با خوارج می‌فرستند، به او می‌فرمایند: مبادا به آیات استدلال کنی. آیات ذو‌وجوه است و تو هر آیه‌ای را بیاوری خوارج طوری آن را توجیه می‌کنند. این افراد هم به همین صورت هستند. ما باید با این افراد چکشی برخورد کنیم.

همچنین در مورد بحث خاتمیت، قرآن کریم می‌فرماید:

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ)

محمد پدر هیچیک از مردان شما نبود، ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است.

سوره احزاب (۳۳): آیه ۴۰

آیا واضح‌تر از این می‌توان بیان کرد؟ شما این آیه را برای یک کودک خردسال هم ترجمه کنید، آن را می‌فهمد. خداوند متعال می‌فرماید: پیغمبر اکرم خاتم انبیاء الهی است.

(خَاتَم) و «خَاتِم» هر دو به یک معناست؛ (خَاتَم) به معنای این است که مهر نبوت برای همیشه بر پرونده رسالت زد.

حال او در کتاب «نبوت خاتمه» نویسنده وصی و فرستاده امام مهدی «سید احمد» می‌نویسد: "اگر کسی بگوید خاتمه نبوت با رسالت حضرت رسول اکرم مطلقاً خاتمه یافته است، مخالف روایات استمرار نبوت بعد از رسول اکرم است." از این روشن‌تر بیان کنیم؟!

او باز هم در کتاب «المتشابهات» به صراحت می‌گوید: "مهدیون دوازده نفر هستند و اولین مهدی من هستم. اولین آنان که من هستم دو مقام رسالت و ولایت را با هم دارد."

این ادعا علاوه بر آنکه انکار خاتمیت است، ادعای رسالت و امامت است!! حکم کسی که ادعای رسالت و نبوت کند، در اسلام چیست؟!

این‌ها ادعاهایی نیست که ما در خصوص آن بحث‌های پیچیده‌ای داشته باشیم و از برهان و جدل استفاده کنیم. این مطالب بسیار واضح و روشن است. او در جای دیگر می‌گوید:

«انتهاء النبوة و توقفها أمر غیر صحیح»

نستجیر بالله او بازهم در کتاب «المتشابهات» می‌نویسد: "از نظر منیت و ظلمت اگر این منیت و ظلمت کم در وجود علی (ع) نبود، علی همان محمد می‌شد." این همان حرفی است که عده‌ای از اهل سنت می‌زنند و می‌گویند:

«لو لم أبعث فيكم لبعث فيكم عمر»

اگر من مبعوث نمی‌شدم، عمر بن خطاب مبعوث می‌شد.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدال موجود، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۴۶۷۷

او همان تعبیر را با یک عبارت دیگر می‌آورد. من از بعضی از طلاب، افراد تحصیل کرده یا یک بچه شیعه‌ای که جذب این افراد می‌شوند واقعاً تعجب می‌کنم. اگر کسی دو سال پای منبر نشست باشد، این ارتداد را کاملاً متوجه می‌شود. این چرندیات، کفریات است!

زمانی که انسان با یک وهابی بحث می‌کند، او چندین آیه و روایت می‌آورد و انسان دلخوش است که دارد بحث می‌کند. در مقابل، بحث‌های این افراد به قدری بحث‌های سخیف و نادرست است که انسان واقعاً نمی‌داند چکار کند. او همچنین در رابطه با آیه:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

که انسان‌ها همه در زیان‌اند.

سوره عصر (۱۰۳): آیه ۲

می‌گوید: "امیرالمؤمنین همان انسان است". حال مشاهده کنید که «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» می‌نویسد:

«سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ عَ الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَغْنَى أَعْدَاءَنَا»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۶۵۶، ح ۱

دقت داشته باشید امام صادق می‌فرمایند که مراد از (الْإِنْسَانَ) دشمنان ماست، ولی «احمد بصری» ادعا می‌کند مراد از (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) علی بن ابی طالب است!!!

او همچنین نسبت به امام حسین می‌نویسد: "در وجود سیدالشهدا شرک نفسانی که مخفی‌ترین نوع شرک است، وجود داشت. حضرت همین را به همراه دارد."

طبق نظر او حضرت ابراهیم مشرک شد، نبوت پیغمبر اکرم خاتمه نیافته است، امیرالمؤمنین دچار ظلمت بود، حضرت یونس در طبقات جهنم قرار دارد یا در وجود امام حسین شرک نفسانی وجود دارد. آیا چیزی هم باقی ماند؟!!

دوستان عزیز خدا می‌داند اگر شما در کتب وهابیت غور کنید، چنین توهینی به ائمه اطهار ندارند. «ابن تیمیه» که آلد الخصام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است، اینطور جسورانه به امیرالمؤمنین جسارت نمی‌کند که این شخص جسارت کرده است!

با وجود این، انسان واقعاً مبهوت می‌ماند که با این افراد چکار کند. بنابراین تقاضای بنده از همه عزیزان و بزرگواران این است که بخش‌هایی از این تناقضات و کفریات را، عزیزان دفتر تبلیغات اسلامی، سازمان تبلیغات یا ائمه جمعه بزرگوار و دیگر روحانیون دریافت کنند.

ما این مطالب را در اختیارتان قرار می‌دهیم و شما آنها را به صورت جزوه، بروشور یا پرده به دست مردم برسانید. مردم باید بفهمند پدیده‌ای که آمریکا برای ما ساخته است، چنین محتوایی دارد.

در یکی از روستاهای قم چند نفری از اتباع «احمد الحسن» کنار هم جمع شده بودند و نماز جمعه می‌خواندند. امام جمعه آنها گفته بود: "شما باید کتاب، ماشین، فرش و دیگر وسایل خود را بفروشید و اسلحه تهیه کنید. هرگاه امام ما «احمد الحسن» دستور داد، طلبه‌های حوزه علمیه نجف و قم را پانصد نفر پانصد نفر قتل عام کنیم."

عزیزان روحانی! اگر به خاطر خدا و دینتان هم نمی‌خواهید ورود پیدا کنید، به خاطر خودتان هم که شده باید ورود پیدا کنید. این افراد برای ریشه کن کردن روحانیت در جامعه روی کار آمدند.

طبق گفته خودشان اگر تعدادشان به ده هزار نفر برسد، قیام مسلحانه خواهند کرد. خدای ناکرده طوری نشود که یک مرتبه از خواب بیدار شویم و ببینیم این افراد عزیزان ما را یکی پس از دیگری از ما می‌گیرند. بنابراین طبق فرموده امیرالمؤمنین:

«مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْتَهَيْتَهُ الْمَكَايِدَ»

غرر الحکم و درر الکلم، نویسنده: تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی،

ص ۶۳۰، ح ۱۰۱۷

به فرموده امیرالمؤمنین کسی که از دشمن غفلت کرد و در خواب رفت، دشمن آنچنان جلو می‌آید و او را احاطه می‌کند که راه گریز را از او می‌گیرد و توان دفاع را از او سلب می‌کند.

«لَا تَسْتَضِعِرَنَّ عَدُوًّا وَ إِنِّ ضَعْفٌ»

دشمن را کوچک نشمار، گرچه در دید تو کوچک است.

عیون الحکم و المواعظ، نویسنده: لیثی واسطی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسنی بیرجندی، حسین،

ص ۵۱۸، ح ۹۴۱۲

صلواتی ختم بفرمایید.

پرسشها و پاسخها

پرسش: (آیا احمد بصری از علمای شیعه، دعوت به مناظره کرده است؟)

بنده خودم در فضای مجازی با طرفداران «احمد الحسن» بحث کردم. آنها می‌گفتند که ما تقاضای مناظره می‌کنیم، اما قبول نمی‌کنند.

پاسخ:

این افراد در پستوی خانه خود نشسته‌اند و ادعا می‌کنند که ما می‌خواهیم مناظره کنیم. این شخص در بغداد یا نجف در گوشه‌ای نشسته و ادعا می‌کند که من می‌خواهم مناظره کنم.

امروز مناظره در فضای مجازی یا ماهواره‌هاست. بنا به نقل یکی از مراجع، «سید صادق روحانی» به «احمد الحسن» نامه نوشته بود و او را به مناظره دعوت کرده بود. او ادعا کرده بود که ایران خطرناک است و من نمی‌توانم به ایران بیایم.

«سید صادق روحانی» گفته بود که شما هر مکانی را معین کنید، من برای مناظره به آنجا می‌آیم. او گفته بود: اگر مکان خودم را معین کنم، شیعیان مکان زندگی مرا پیدا می‌کنند و مرا ترور می‌کنند. «سید صادق» گفته بود: تلفنی یا در فضای مجازی مناظره کنیم.

«سید صادق» گفته بود: شما می‌گویید که من فرزند حضرت مهدی هستم. شما چندین جلد از کتاب‌های مرا بخوانید. یقین دارم اگر امام زمان کتاب من را بخواند، اشتباهاتی از من می‌گیرد.

شما چندین اشتباه علمی از من بگیر تا ببینم سرمایه علمی تو تا چه اندازه‌ای است. آیا راست می‌گویی که واقعاً به حضرت ولی عصر متصل هستی یا خیر؟

«احمد الحسن» گفته بود: من وقت مطالعه کردن کتاب‌های تو را ندارم!!

ما بارها اعلام کردیم که فضای مجازی آماده است. ما در «شبکه جهانی ولایت» اعلام مناظره کردیم. در حال حاضر «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» به صورت اینترنتی در سراسر جهان منتشر می‌شود و ما غالب هفته‌ها بحث‌های آنلاین داریم.

ما برای مناظره آماده هستیم. همچنین تلفن ما و سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» هم موجود است. آقایان هرکاری می‌خواهند انجام دهند، ما برای مناظره در خدمتشان هستیم.

پرسش: (موضع اهل سنت در برابر احمد بصری چیست؟)

آیا اهل سنت هم در برابر او ایستادند و با او مخالفت می‌کنند؟

پاسخ:

خیر. متأسفانه یا بی اطلاع هستند و اگر اطلاعاتی هم دارند، فعلاً از طریق اهل سنت بنده اطلاعی ندارم که نسبت به «احمد الحسن» موضع گرفته باشند.

پرسش:

مباحث یمانی دروغین و احمد بصری را از کجا پیگیری کنیم؟

پاسخ:

ما در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» که می‌توانیم تحدی کنیم به عنایت اهلبیت قوی‌ترین سایت، نه تنها در ایران بلکه در کره زمین در پاسخگویی به شبهات وهابیت و گروه‌های انحرافی به چهار زبان فارسی، عربی، اردو و انگلیسی است.

اگر آقایان در قسمت فارسی وارد شوند، در بخش سمت چپ "فتنه «احمد الحسن»" را ملاحظه می‌کنند. در این قسمت تمام بحث‌هایی که خودمان و دوستانمان در این زمینه داشتیم موجود است.

دوستان می‌توانند از اپلیکیشن بازار "تلویزیون جهانی حضرت ولی عصر" را دانلود کنند و در گوشه خود داشته باشند. از طریق این برنامه خیلی راحت بحث‌هایی که به صورت آنلاین داریم مخصوصاً در رابطه با «احمد الحسن» را مشاهده کنند.

پرسش:

استفاده از ماهواره از نظر جنابعالی اشکال دارد؟ ما برای مشاهده برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» باید از ماهواره استفاده کنیم.

پاسخ:

«شبکه جهانی ولایت» و دیگر شبکه‌ها برای کشورهای دیگر و افراد برون مرزی است و برای داخل کشور نیست. امروز از طریق اینترنت همه شبکه‌ها قابل دریافت است. نصب کردن دیش ممنوع است، اما استفاده از طریق اینترنت اشکالی ندارد.

شما در گوشی موبایل خود خیلی راحت می‌توانید اپلیکیشن تمام شبکه‌های ماهواره‌ای را نصب کنید و از آن استفاده کنید که خیلی هم هزینه اینترنتی ندارد.

پرسش: (چرا عده ای از طلبه ها جذب احمد الحسن شدند؟)

با وجود روشن بودن انحراف این مدعی دروغین یمانی، چرا یک عده از روحانیون در این عقیده منحرف شدند و علت آن چیست؟

پاسخ:

الآن که در خدمت ائمه بزرگوار جمعه بودیم همین سؤال مطرح شد. بنده نه تنها نسبت به این افراد، بلکه نسبت به وهابیت هم بر این عقیده هستم؛ منشأ نود درصد کسانی که از اهل بیت فاصله گرفتند، جهل و عدم آگاهی است. من بارها با سران وهابی بحث و مناظره کردم. سال ۱۳۸۳ یا ۱۳۸۴ کنار بیت الله الحرام مشغول طواف بودم. نزدیک حجر الأسود شخصی دست روی شانه من گذاشت. وقتی برگشتم، دیدم جوانی حدود ۳۰، ۳۵ ساله است.

او تا مرا دید پشت سر هم شروع به فحش و ناسزاگویی کرد. او می‌گفت: "شما مشرک هستید، شما نجس هستید، آمدید تا مکه را خراب کنید و اینجا را نجس کنید. دولت عربستان اشتباه می‌کند به شما مجوز می‌دهد."

او دائماً فحش می‌داد و من هم همینطور نگاه می‌کردم. وقتی فحش‌هایش تمام شد، به او گفتم: برادرم فحش‌هایت تمام شد؟ گفت: من برادر تو نیستم. گفتم: آقای که برادر من نیستی، می‌شود گوشه‌ای بنشینیم و حرف بزنیم؟ من مشرک، تو مؤمن؛ قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد).

سوره توبه (۹): آیه ۶

قرآن کریم به پیغمبر اکرم خطاب می‌کند: وقتی یکی از مشرکین به تو پناه آورد، به او پناه بده تا سخن قرآن کریم را بشنود. ما می‌خواهیم در خدمت شما سخن حق را بشنویم.

او قبول کرد و ما روبروی رکن یمانی که محل نشست و برخاست علماست و جای خلوتی هم هست، نشستیم. بنده شاید نیم ساعت با ایشان بحث کردم و به تمام شبهات او جواب دادم.

قسم به ولای امیرالمؤمنین او همانجا بلند شد، پیشانی و شانه مرا بوسید و عذرخواهی کرد. او شماره تلفن از من گرفت و بعد از آن قضیه مدت‌ها با هم در ارتباط بودیم. مشکل ما این است که ما در جمع این افراد و با زبان این افراد حرف نمی‌زنیم. قرآن می‌فرماید:

(وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ)

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قومش.

سوره ابراهیم (۱۴): آیه ۴

مراد از فرمایش قرآن این نیست که برای فارس‌ها پیغمبری فارس زبان، برای عرب‌ها پیغمبری عرب زبان و برای انگلیسی‌ها پیغمبری انگلیسی زبان آوردیم. مراد این است که برای هر قومی پیغمبری با فرهنگ همان قوم آوردیم.

اگر ما این فرهنگ را با منحرفین داشته باشیم، بنده طبق تجربه‌ای که دارم بر این عقیده هستم که نود درصد این افراد در برابر فرهنگ نرم، متقاعد خواهند شد.

پرسش: (آیا تنها ما شیعیان به بهشت می‌رویم؟)

آیا عاقبت اهل سنت که امامت امام علی را قبول ندارند جهنم است و تنها ما شیعیان به بهشت می‌رویم؟

پاسخ:

در بحث ولایت و امامت ما روایات زیادی داریم. پیغمبر اکرم فرمود:

« مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ »

کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص: ۲۶۱، ح

۸

یا فرمود:

«خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ أَوْلَادِي وَ عِثْرَتِي مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ
أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص
۲۵۸، ح ۳

عزیزان دقت کنند ما در میان این روایات مطلق، یک سری روایات مقید هم داریم. عزیزانی که اصول خواندند
می‌دانند که اگر ما یک دسته روایات مطلق و یک دسته روایات مقید داشتیم، روایات مقید، مطلقات را تقیید می
زند.

ما در کنار آنها چند روایت داریم مبنی بر اینکه:

«مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ»

کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص: ۲۶۱، ح
۸

«جهد» به معنای انکار عن علم است. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ)

و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند.

سوره نمل (۲۷): آیه ۱۴

اگر از نظر علمی از کتاب و سنت امامت امیرالمؤمنین ثابت شد و بعد از اثبات انکار کرد، شک و تردیدی نیست که او کافر است. اگر سنی باشد کافر است، وهابی باشد کافر است و شیعه هم باشد کافر است.

این قضیه همانند این است که شخص نماز را انکار می‌کند. اگر کسی منکر نماز باشد چه حکمی دارد؟ امام خمینی در کتاب «مکاسب محرمة» وقتی به بحث غیبت مخالفین می‌رسد، می‌نویسد:

«إن الإسلام ليس إلا الشهادة بأن لا إله إلا الله وأن محمدا رسول الله صلى الله عليه وآله»

المکاسب المحرمة؛ تألیف: العلامة الأكبر الإمام الحاج آقا روح الله الموسوي الخميني قدس سره مع تذييلات لمجتبى الطهراني، مؤسسة اسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الثالثة، تاريخ النشر: ١٤١٠ هجري قمري ج ١، ص ٢٥٠

ایشان سپس می‌نویسد انکاری که از روی علم باشد. آیت الله خوئی (رضوان الله تعالی علیه) هم همین تعبیر را دارد و می‌نویسد: غالب اهل سنت که منکر امامت اهلبیت هستند، منشأ آن یا تقلید از بزرگان است و یا عدم آگاهی است. لذا قطعاً کفر متوجه این افراد نمی‌شود.

ما در روایت داریم که راوی خدمت امام صادق می‌آید و عرضه می‌دارد: یابن رسول الله! آیا فردای قیامت غیر از شیعه‌ها کسی وارد بهشت نمی‌شود؟ حضرت می‌فرماید: به قدری از اهل حق وارد بهشت خواهند شد که حساب ندارد. راوی عرضه می‌دارد: اهل حق چه کسانی هستند؟

حضرت می‌فرماید: کسانی که به حق علی بن ابی طالب قسم می‌خورند. امامت علی را قبول ندارند، اما علی بن ابی طالب را مرد خدا می‌دانند و او را مردی مؤمن و پاک می‌دانند.

بنابراین بحث کفر نسبت به دیگر فرق اسلامی مخصوصاً شما که قدری همجوار با استان‌های تلفیقی هستید، قدری به دقت بیشتر نیاز دارد.

امروز تکفیر و فحش‌ها به مقدسات اهل سنت از اکبر کبائر است و اگر بگوییم جزء ذنوب لا تغفر است، قطعاً بدانیم مبالغه نکرده‌ایم.

عزیزمان امام جمعه محترم، بحث «شبکه اهل بیت» به کارشناسی «اللهیاری» را مطرح کردند. بنده خودم به افغانستان شهر کابل رفته بودم. یکی از اساتید به نام جناب آقای «دکتر نوری» که معمم است و در حوزه و دانشگاه تدریس دارد، قضیه‌ای را نقل می‌کرد.

ایشان می‌گفت: سوار مینی بوس بودیم و داشتیم به مزار شریف می‌آمدیم. وسط راه تعدادی از افراد طالبان جلوی ما را گرفتند، دو تن از جوانان شیعه را پایین آوردند و به قدری گلوله زدند که بدنشان همانند لانه زنبور شد.

یکی از آنها داخل ماشین آمد و جلوی همسر و فرزند او گفت: "به «شیخ اللهیاری» بگویید جواب فحش‌هایی که به بزرگان ما می‌دهید، همین است! او فحش بدهد و ما هم به او جواب می‌دهیم." آیا حضرت فاطمه زهرا به این کارها راضی است؟

شما در اینترنت «کلیپ اسپایکر» را سرچ کنید. روز دوم یا سوم که داعش وارد موصل شد، در دانشکده افسری، هزار و هفتصد بچه شیعه را قتل عام کردند. وقتی گلوله را به شقیقه بچه شیعه‌ها می‌گذارند، می‌گویند: «[هذا انتقام](#)

عائشة فی النار!

چون دو سال قبل در «شبکه فدک» شیعه انگلیسی مزدور، «یاسر الحبیب» روز هفدهم ماه رمضان مرگ عایشه را جشن گرفته بود. او و دیگر کارشناسان لباس قرمز پوشیدند، کف می‌زدند و می‌گفتند: «عائشة فی النار، عائشة فی النار».

داعش هزار و هفتصد تن از بچه شیعه‌ها را قتل عام کرد و گفت: این انتقام همان جشنی است که شما گرفتید و «عائشة فی النار» گفتید. بنده واقعاً نمی‌دانم؛ اگر حضرت فاطمه زهرا به این کارها راضی است به کار خود ادامه بدهند!

آیت الله العظمی بهجت در خصوص «عید الزهراء» تعبیری دارند. شما در اینترنت «عید الزهراء + بهجت» را سرچ کنید و ببینید که در بیش از دویست سایت آن را گذاشتند.

ایشان می‌گویند: اگر شما در قم و تبریز و کاشان و تهران مراسم عید الزهراء بگیرید و به مقدسات اهل سنت توهین کنید. در آن طرف دنیا به یک شیعه توهین کنند یا خون از دماغ یک شیعه بیاید، شما در این کار سهیم هستید.

عزیزان در این زمینه دقت کنید بعضی از تندروهایی که در میان ما هستند را کنترل کنیم، زیرا این افراد قطعاً مرضی اهل بیت نیستند.

دنیای امروز همانند گذشته نیست که شما یک مجلس عید الزهراء بگیرید و لعن و سب کنید و تمام شود. امروز اگر در منزل خود حرفی بزنید، کسانی که بخواهند گوش بدهند از طریق موبایل شما کاملاً حرف‌های شما را گوش می‌دهند.

بنابراین کاری نیست که ما امروزه بخواهیم در گوشه کاشمر انجام بدهیم و بگوییم این قضیه مربوط به ماست.

پرسش:

چرا در مؤسسه آیت الله العظمی سیستانی در کتاب‌هایی که چاپ شده است، اسم «احمد الحسن» آمده است؟ آیا «احمد الحسن» زنده هست یا خیر؟

پاسخ:

امروز کتاب‌های زیادی نوشته شده است که اسم ایشان در آنجا آمده است، اما اینکه کتابی در مؤسسه آیت الله العظمی سیستانی چاپ شود و از ایشان به عنوان یک وجود خارجی نامی برده باشند، قطعاً کذب است.

در خصوص اینکه ایشان وجود خارجی دارد یا خیر، اقوال مختلفی وجود دارد. در حال حاضر برادران او در ارتش عراق حضور دارند و عموهای او در بصره هستند. در این قضیه هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

در سال ۱۳۸۵ سپاهی تحت عنوان «جند السماء» به رهبری ایشان به قصد کشتن آیت الله العظمی سیستانی و قتل عام طلاب به نجف حمله کرد. ارتش عراق قبل از ورود به نجف به آنها حمله کرد و بیش از دویست نفر از آنها را کشت.

پلیس عراق مدعی است که «احمد الحسن» کشته شده است، اما اتباع او ادعا می‌کنند که او زنده ماند و مجروح شد. او به بحرین رفت، مداوا شد و در حال حاضر به استرالیا رفته و پسر او هم در دانشگاه آنجا درس می‌خواند.

پرسش: (رمز موفقیت استاد حسینی قزوینی چیست؟)

رمز موفقیت حضرتعالی چیست؟

پاسخ:

بنده روزی خدمت آیت الله وحید خراسانی بودم. ایشان گفتند: یا لقمه پاک پدرتان بود یا شیر حلال مادرتان بود یا کار خیری انجام دادید که خداوند عالم چنین توفیقی نصیب شما کرده است. من گفتم: حاج آقا شق چهارمی هم هست؛

«یا مُبْتَدِئاً بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۱، ص

۳۰۴، ح ۱۹

همانطور که قرآن کریم می فرماید:

(إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ)

فضل (و موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست، بلکه) به دست خداست، و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند)، می دهد.

سوره آل عمران (۳): آیه ۷۳

من نکته ای را برای دوستان عرض کنم و این هم توفیقی است که خود آن بزرگواران به ما عطا فرمودند.

بنده بیش از سی و هفت سال است هر شب مثل نماز مغرب و عشاء بر خود لازم کردم که همسر و فرزندانم را جمع می کنم، یک روزه حضرت فاطمه زهرا می خوانم و می خوابم. این کار در طول این سی و هفت سال یک شب هم قضا نشده است.

در داخل کشور یا خارج کشور هم باشم، به منزل تماس می گیرم و روزه می خوانم و می خوابم.

بنده چند سال قبل شیراز بودم و آقایان از ساعت ۸ صبح تا ۱۰ شب برنامه گذاشته بودند. وقتی به محل استراحت آمدم، دیدم حتی رمق ندارم که غذا بخورم.

من به قم زنگ زدم، بچه‌ها را جمع کردم و یک روزه خیلی بی حال خواندم، به طوری که خودم متوجه نشدم چه خواندم. بعد از روزه خواندن عذاب وجدان گرفته بودم و با خود گفتم: معلوم نیست اینطور بی حال که ما روزه می‌خوانیم مورد توجه اهل بیت هست یا خیر!

قسم به ولای امیرالمؤمنین قبل از اذان صبح خواب دیدم ائمه اطهار در یک اتاق بیست متری نشسته‌اند، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) جلوی در نشسته است و من هم در گوشه‌ای نشسته‌ام.

پیغمبر اکرم به من خطاب فرمودند: روزه حضرت فاطمه زهرا را بخوان، همان روزه‌ای که امیرالمؤمنین آن را خواند! وقتی از خواب بیدار شدم، گریه امانم نداد و فهمیدم همین روزه‌های بی حالی که می‌خوانیم مورد عنایت اهل بیت است.

این را بدانید هرکسی به جایی رسیده یا می‌خواهد به جایی برسد، بهترین راه، توسل به حضرت فاطمه زهراست. امام حسن عسکری فرمودند:

«نحن حجة الله على الخلق، و فاطمة حجة علينا»

عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد،

نویسنده: بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، محقق / مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، ج ۱۱،

ص ۷، باب مقدمة الطبعة الثانية

روایات متعددی از توسل امام باقر، امام صادق، امام کاظم و دیگر ائمه اطهار (علیهم السلام) به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داریم.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تو را سوگند می‌دهیم فرج فرزند آن بزرگوار حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا فداه) را نزدیک بگردان. خدایا ما را از سربازان فداکار و انصار خاص حضرت ولی عصر قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقیة الله الأعظم متصل فرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت در هر لباس و منصبی هستند، بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا خیر دنیا و آخرت به ما کرم نما. شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته